

در دامنه قلاع سرحدی هندوستان واقع شده بایران - افغانستان و بلوچستان دست دارد و در وسط راه سرحد روس و خلیج فارس قرار گرفته است .

وقتی که کرزن کتاب خود را جمع بایران می نوشت و می خواست در موضوع سیستان بهتر مطالعه نموده باشد با سر فردریک گلداسمید نیز مشورت نموده بود مخصوصاً راجع به راه آهن هندوستان از طریق کویتا - نوشکی و بلوچستان نظر های مخصوص داشت .

وقتی که کرزن فرمانفرمای هندوستان شد تجارت این خط را تشویق نمود و امتداد خط آهن هندوستان به کویتا را به نوشکی عملی کرد که از دشت بلوچستان عبور کرده است و قونسولگری سیستان را برقرار نمود در این موقع است که به لرد پرسی (۱) می نویسد : « هر گاه روسها راه آهن را بطرف سیستان عنوان کنند من فوراً شاهرا باشغال سیستان تهدید خواهم نمود من تمهید خواهم کرد که کسان من زودتر از کسان روسها در آنجا حاضر باشند (۲) »

مؤلف گوید این بود نظریات لرد کرزن راجع به مسئله ایران، او بخوبی مشاهده می کرد باینچه جدیدی دول در این قسمت از خاک آسیا مشغول هستند و در موقع جنگ ترانسوال عملیات روس و فرانسه در این قسمت ها شدیدتر شد ولی کرزن مواظب بود مثل اینکه در فضیه مخط پیش آمد.

در سال ۱۹۰۰ روسها می گوشتند يك انبار ذغال در بندر عباس بدست بیاورند و در همان سال نقشه برداری راه آهن از اصفهان بچهار نقطه مختلف که بخلیج فارس ممتد می شد بعمل آمد این نقاط عبارت بود از محمره - بوشهر - بندر عباس و چاه بهار .

افکار در روسیه نیز حاضر شده بود که این اقدامات عملی شود حتی روزنامه های روسیه نیز در این باب در همین تاریخ مقالات می نوشتند و در همان سال نیز يك گشتی جنگی روسها در خلیج فارس پیدا شد و داخل شط العرب گردید تا بصره پیش رفت .

[1] Lord Percy .

(۲) صفحه ۳۰۹ جلد دوم .

در سال ۱۹۵۱ نیز کشتی جنگی دیگر به مسقط - بوشهر - لنگه - بندرعباس سفر کرد و کشتی فرانسه نیز در آبهای خلیج پیدا شد علاوه بر اینها قونسولهای روس نیز در این نواحی زیاد شدند و تجارت آن دولت رونقی گرفت .

ترکها نیز ساکت نبودند مأمورین ترک نیز در کویت مشغول شدند مقصود این بود که برای خط آهن آلمانها در آنجا بندری تهیه کنند که انتهای خط آهن بغداد باشد. (۱)

مؤلف گوید : در قرن مخالف سیاست سکوت و ترس بود اصرار داشت در مقابل هر يك از این نمایشات که از طرف روسها داده میشد از طرف انگلیسها نیز اقدامات متقابله بعمل بیاید کشتیهای جنگی بطور دایم به خلیج اعزام میشد قونسولهای انگلیس در همه جا برقرار گردیدند به نشانه برداری راهها اقدام نمودند از تمام جزایر و بندرگاهها نشانه برداری کامل بعمل آمد کشتیهای جنگی بشرد دایمی مأمور شدند نظامیهای ساختار را همه جا زیاد کردند و کابلهای تحت البحری علاوه شد . بواسطه دادن اعانه بکشتیهای بستی و نبرد تردد زیاد گشت و همچنین از طرف دولت انگلستان مأمور تجارتمی مخصوص به خلیج و نواحی آن اعزام شدند که مسائل تجارتمی را مطالعه نموده تجارت بین ایران و انگلستان و هندوستان را ترقی بدهند . (۲)

مؤلف گوید با اینکه تردد کردن با جدیت تمام این مسائل را انجام میداد از طرف دیگر هم دولت انگلستان را مجبور می کرد که يك سیاست جدی تری نسبت به عدالت آسیای وسطی اتخاذ کند .

تردد لورد لانسداون (۳) که در نوامبر ۱۹۵۵ بعد از لرد سالزبوری وزیر خارجه

(۱) صفحه ۳۱۰

(۲) در این تاریخ يك مأمور بصرفه متابع به خلیج فارس اعزام گردید موسوم به ویگا-

این شخص در همین تاریخ کتابی نوشته است و قبکه بنوستن تاریخ خلیج فارس شروع کنیم از این کتاب نقل - و ترجمه نمود .

شده بود باین مسائل بیشتر اهمیت می‌داد و حاضر بود يك سیاست جدی و عملی را تعقیب کند .

در اوایل سال ۱۹۵۲ بوزیر مختار انگلیس معین دربار تهران دستور داد که بدولت ایران خاطر نشان‌کننده دولت انگلیس بهیچ وجه راضی نخواهد شد و اجازه نخواهد داد که روسها بسواحي جنوبی ایران دست اندازی کنند و اگر باین اخطار دولت ایران باز توسعه نفوذ سیاسی روسها را در آن نواحی تشویق کند دولت پادشاهی انگلستان مجبور خواهد بود در سیاست خود که تا این تاریخ حفظ بقای ملی و تمامیت ارضی کشور ایران بود تجدید نظر کند و همین اظهارات را خود لرد لاتردئون در موقع مسافرت شاه بلندن که تابستان همانسال بود بخود شاه اظهار نموده و این مسئله دیگر از پرده بیرون افتاد در پارلمان نیز موضوع مذاکره گردید و اظهار شد که دولت انگلیس از مقام خود در خلیج فارس و ایالت جنوبی ایران مخصوصاً آن نواحی که در قرب وجوار سرحدات هندوستان است غیر ممکن است صرف نظر کند.

مؤلف گوید در پنجم ماه می ۱۹۵۳ لرد لاتردئون که وزیر امور خارجه بود سیاست ثابت و محکم و خلل‌ناپذیر دولت پادشاهی انگلستان را در مجلس اعیان با تأکید مخصوصی اعلان نموده گفت :

« دولت پادشاهی انگلستان برقراری يك بندر بحری را در سواحل خلیج فارس بالاترین تجاوزی خواهد شناخت که نسبت بمنافع انگلستان شده است و این تجاوز را با تمام وسائل خود که در اختیار دارد جلو گیری خواهد نمود . » (۱)

مؤلف می‌نویسد : « کرزن از این بیانات لرد لاتردئون بی‌نهایت مسرور گردید و در مراسله که در ۱۴ می ۱۹۵۳ می‌نویسد در آن گوید شما نمی‌توانید باور کنید از این بیانات شما چقدر من خوشحال شدم و چه قدر راضی هستم بالاخر ما این برای اولین

(۱) ص ۳۱۱ جلد دوم . مؤلف این موضوع را در این جا مختصر گفته و گذشته است ولی شرح مفصل آن در کتاب چیرول که در سال ۱۹۰۲ در لندن طبع رسیده است نقل شده است من در موقع خود بدان اشاره خواهم نمود .

دفعه است که من می بینم وزیر امور خارجه در پارلمان اظهار می دارد که دولت انگلستان بهیچ وجه اجازه نخواهد داد که در سواحل خلیج فارس از طرف دولت خارجی يك بندر نظامی بحری بوجود آید این عبارت مرا راضی نمود و عین آن عبارت است که من در ۱۱ سال قبل در کتاب خود نوشته ام من بخود باید تیريك بگویم که بالاخره گفته های من از طرف مقامات عالی تصویب و به موقع عمل گذارده شد ، (۱) مؤلف می نویسد: در دنبال این مذاکرات پارلمانی وزیر مختار روس مقیم لندن روز دیگر از وزیر امور خارجه انگلستان دین نموده اظهار کرد که دولت روس چنین قصدی ندارد که در سواحل خلیج فارس برای خود بندری تهیه کند و خیال ندارد که راه آهن در نزدیکی سرحدات هندوستان کشیده شود .

در این موقع وزیر امور خارجه انگلیس اظهار رضایت نموده عنوان کرد که ممکن است طریق حل بهتری بین دولتین روس و انگلیس درباره ایران پیدا نمود ممکن است وقتی بیاید که عقد يك قرارداد بطور کلی مورد مذاکره واقع شود که منطقیه نفوذ طرفین در آن مملکت رسماً شناخته شود .

کرزن منافع چنین قراردادی را تصدیق می نمود ولی باور نمی کرد که چنین قراردادی عملی شود .

کرزن در ۲۱ ماه مای ۱۹۰۳ می نویسد : « پتك شمادرت بفرق میخ فرود آمده است ، شما می گوئید روس ها تفعی برای خودشان تصور نمی کنند که با ما کنار بیایند روس ها فقط در این عمل این را می توانند تصور کنند که مقداری از مطامع خودشان صرف نظر بکنند .

من این مسئله را چندین سال قبل توضیح دادم لیکن اتحاد با روس یکی از آن احساسات است که از اثرات خواب و خیال باطل پیش می آید و این مسئله غیر ممکن است که از فکر انگلیس خارج شود . (۲)

(۱) صفحه ۳۱۲ جلد دوم .

[2] An Agreement With Russia is One of Those Sentimental Hallucination That it is Impossible to Remove From the British Mind P . 313 Vol . 2 .

از سال ۱۹۵۱ لرد کرزن اصرار داشت باینکه دسته از تجهیزات جنگی بخلیج فارس مسافرت کند و بنادر و سواحل آنرا با جلال و شکوه تمام بطور رسمی گردش کند کابینه لندن با این نظر موافقت نمی کرد البته در آن تاریخ این مسافرت را برای سیاست انگلستان خطرناک می دانستند چونکه جنگ ترانسوال بشدت در کار بود فرانسه - روس و آلمان از این گرفتاری انگلیس خوشوت بوده دنبال چنین اقدامات بودند این بود که کابینه لندن از این پیشنهاد کرزن وحشت نمود و با آن موافقت نکرد و آنرا بیک مسافرت خطرناک بی لزوم دانست .

کرزن این مسئله را گذاشت تا چندی از آن بگذرد تا اینکه در سال ۱۹۵۳ مجدداً این موضوع را پیش کشید چونکه آن موافقی که کابینه لندن در سال ۱۹۵۱ عنوان می نمود حال دیگر موضوع ندارد جنگ آفریقا تمام شده و دولت انگلستان نیز اصول مانرو (۱) را در باب خلیج فارس بعالمیان اعلام نموده است .

در این موقع کرزن علاوه نمود که مسافرت فرمانفرمای هندوستان با یک دسته کشتی های جنگی ادعای دولت انگلستان را به عالمیان ثابت خواهد نمود و خواهند فهمید که دولت انگلستان این اعلامیه را از روی ایمان و عقیده ابلاغ نموده است . بعلاوه دولت انگلستان اخیراً بواسطه دادن دو بیست هزار لیره و سیصد هزار لیره بدولت ایران گمرکات جنوبی ایرانرا در عوض بعنوان اعتبار وجوه فوق باختیار خود گرفته است (۲) این نیز خود یک موضوع مهمی است باید در نظر گرفت در هر حال کرزن اصرار داشت که حالیه دولت انگلستان این مسافرت را تصویب کند .

مؤلف گوید چونکه دولت در سیاست خارجی با کرزن موافقت نموده بود در این تاریخ نیز رفتن او به سواحل خلیج فارس تصویب شد و در ۱۶ نوامبر ۱۹۵۳

[1] Monroe .

قانون مانرو . James Monroe در سال ۱۸۲۳ توسط جیمس مانرو رئیس جمهوری امریکا وضع شد مقصود این بود که از دخالت دول اروپا در سیاست قاره امریکا جلوگیری شود .

(۲) شرح این داستان بیاید .

باکشتی جنگی یایک عده کشتیهای جنگی دیگر به جلال و شکوه تمام عازم خلیج فارس گردید .

در این تاریخ است که علاء الدوله والی فارس وبنادر است از زهبران امر شده بود در بوشهر پذیرائی شایانی از فرمانفرمای هندوستان بعمل آید و والی فارس نیز به بوشهر رفت و در آنجا منتظر بود ولی در این بین اختلافی روی داد که فرمانفرمای هندوستان در بوشهر پیاده نشد عات هم این بود که کرزن انتظار داشت علاء الدوله اول در کشتی از او دیدن کند بعد فرمانفرما در بوشهر پیاده شد باز دید کند علاء الدوله قبول نکرد عنوان نمود ملاقات باید در بوشهر بعمل آید و از رفتن بکشتی امتناع کرد و سر همین پیش آمد کرزن در بوشهر پیاده شد. (۱)

مؤلف گوید غیر از بوشهر دیگر در همه جای خلیج فارس پیش آمده بر طبق میل فرمانفرما بود در این موقع سر آرتور هاردینگ (۲) وزیر مختار انگلیس مقیم طهران نیز در خلیج فارس حضور داشت و مخصوصاً برای ملاقات کرزن از طهران بخلیج مسافرت کرده بود در اینجا مسائل سیاسی را راجع بمسئله ایران با وزیر مختار در میان نهاد در این موقع بود که فرمانفرمای هندوستان آزادانه با وزیر مختار انگلیس که نماینده وزارت خارجه انگلستان بود صحبت نمود و از نظریات یکدیگر مطلع شدند . (۳)

در ۲۱ نوامبر ۱۹۰۳ لرد کرزن در عرشه کشتی که سوار بوده درباری تشکیل داده در آن عده از شیوخ اعراب سواحل خلیج مجازی بتدریج جمع شدند در آن

(۱) شرح این داستان بیاید .

[2] Sir Arthor Hardinge

(۳) در حائمی خواندم که در موقع عقد میاهده روس - انگلیس از اشخاصیکه منورت - یکی هم سر آرتور هاردینگ بود یکم والنسیر جیروول که بعدها از او صحبت زیاد سواهد شد این دونف از اشخاص بودند که از اوضاع واحوال ایران اطلاع کامل داشتند جیروول در سال ۱۹۰۳ در ایران سیاحت نموده و کتابی در این باب نوشته است که از اول تا آخر مضمون راجع به موضوعات ایران است

مجلس لطفی ایراد کرده که جمله‌های برجسته آن را مؤلف تاریخ زندگانی لرد مزبور ضبط نموده است در این نطق گوید :

" در این آب‌ها در ایام اخیر ما پیش از هر کس روی خود را نشان داده‌ایم ، در آن ایام این جاها تا امن و مفشوش بوده ما امنیت را در این جاها برقرار کردیم ، در آن تاریخ تجارت ما و زندگانی شما ها مورد تهدید بود و این مسئله محتاج بایجاد امنیت بود اینک در هر بندر از بندر این خلیج اتباع پادشاه انگلستان ساکن و مشغول تجارت می‌باشند .

امیر انوری معظم هندوستان که حفظ آن بر ما واجب است در مجاورت شما و تقریباً پشت دروازه‌های شما واقع است ما شماها را از محو و زوالی که همسایگان شما برای شما تهدید دیده بودند نجات دادیم ما این آب‌ها را بروی کشتی‌های تمام ملل مفتوح نموده اجازه دادیم بیریق آنها با نهایت امن و امان در این جاها باهتر از درآید ما نه تنها استقلال شماها را از بین نبردیم بلکه آنرا برای شما حفظ نمودیم حال ما این زحمت و رنج فوق‌العاده را که در عرض یکصدسال کشیده و تحمل نموده ایم امروز نخواهیم گذاشت برایکن از دست برود .

ما نخواهیم گذاشت این يك صفحه تاریخ روشن که بی طمعی ما را نشان می‌دهد محو گردد امنیت و صلح و سلامتی این آب‌ها باید تأمین گردد و استقلال شماها نگاهداری شود و نفوذ دولت انگلستان باید بالاتر از هر نفوذی قرار بگیرد . (۱)

لرد کرزن بحرین و کویت را نیز دیدن نمود در کویت شیخ آنجا با اعزاز تمام فرمانفرمای هندوستان را استقبال نمود و خود را در تحت الحمایگی انگلستان قرار داد در این تاریخ کویت دارای اهمیت شده بود و صحبت در این بود که عنقریب ایستگاه مهم راه آهن بغداد خواهد بود .

در این ملاقات شیخ کویت از روسها و فرانسه و ترکها صحبت نمود که آنها هم دست دوستی بجانب او دراز کرده بودند .

کرزن شمشیری برای شیخ هدیه آورده بود و قتیکه باو داده شد وی تقاضاهای بیشتری کرد که شمشیر حضوراً بکمر او از طرف فرمانفرما بسته شود همینکه این کار انجام شد خود را صاحب منصب انگلیسی نامید. (۱)

لرد کرزن در هفتم دسامبر ۱۹۰۳ از این مسافرت مراجعت نمود (۲) من در اینجا این موضوع را ختم می‌کنم باقی مطالب آن را به جلد دیگر وامیگذارم چه ارتباط لرد کرزن به مسند ایران در اینجا ختم نمی‌شود و تباله آن تا سال ۱۹۲۵ ادامه دارد مقصود من این نیست که مطالب تاریخ از سال آخر قرن نوزدهم بگذرد اما موضوعاتی دیگری است که رشته آنها به سالهای اول قرن بیستم نیز کشیده می‌شود مانند معاهده گمرکی بین ایران و انگلیس که در اوایل سال ۱۹۰۳ (۳) در تهران با امضاء رسید

همچنین امتیاز نفت جنوب ایران و تقسیم آب هرمند و قرار داد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ مهم تر از تمام اینها موضوع معاهده انگلیس و روس است که در سال ۱۹۰۷ منعقد گردید .

این مسئله نیز مربوط به سیاست خارجی ایران است که رشته اصلی آن از سالهای آخر قرن نوزدهم تا اثر تغییرات سیاستهای دول اروپا بوده که بعد از کنفرانس برلین شروع شد در ده ساله اخیر قرن فوق الذکر اهمیت فوق العاده پیدا کرده در سالهای اول قرن بیستم که سیاستهای دول تاحدی روشن شده است به معاهده روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷ منتهی می‌شود .

اما نظریات لرد کرزن درباره ایران چنانکه از مطالب دو جلد کتاب او دیده شد و آنچه که بعدها مخصوصاً در زمان فرمانروائی او در هندوستان از عقاید و مراسلات او

(۱) با امیر عبدالرحمن نیز در هندوستان در وقت ملاقات بالرد دو فرین همین رفتار شد عبدالرحمن خان امیر افغانستان گفت با این شمشیر دشمنان دولت انگلیس را از میان خواهد برداشت .

(۲) صفحه ۳۱۹

آشکار گردید این امپریالیست خطرناک معروف انگلستان دشمن خطرناک استقلال ایران بوده و همیشه عقیده مند بود یا ایران باید کاملاً دست نشانده انگلستان باشد یا اینکه با دولت روس کنار آمده منطقه نفوذ برای طرفین تعیین شده هر يك در دایره نفوذ خود آزاد باشند .

از نوشتن دو جلد کتاب مزبور مقصود عمده او رسوایی دولت ایران بود همین طور هم شد بعد از انتشار دو جلد فوق الذکر، ایران بکلی از اعتبار سیاسی افتاد و اهمیت و حیثیت خود را در میان ملل از دست داد .

در دوره فرمانفرمائی خود او در هندوستان تمام کوشش های وی این بود که ایالات جنوبی ایران بکلی از اختیار دولت ایران خارج شود و نفوذ ایران در خلیج فارس بکلی از بین برود .

من این موضوع را فعلاً می گذارم به وقت دیگر یعنی در موقعی که از خلیج فارس - خوزستان - بلوچستان - سیستان و خراسان صحبت خواهم نمود باین مسئله نیز اشاره خواهم کرد چه در شرح وقایع این نقاط و سیاستهایی که انگلیسها در این نقاط تعقیب نموده اند نظریات لرد کرزن نیز نسبت باین محل ها خواهد آمد و مسائل بهتر روشن خواهد گردید .

اما تعجب در این است که يك دولت همسایه که خود مدعی دوستی و مودت است و خود را حافظ و نگهبان حقوق ملل جهان معرفی می کند چگونه در خاک و آب های دولت دوست و همسایه خود این گونه نظریات غاصبانه را تعقیب می کند و انسان بیشتر تعجب از آن دولت دارد که تمام این قضایا را تحمل کرده اعتراض نمی کند همه را به سکوت گذرانده است .

در این تاریخ که کرزن بسمت فرمانفرمای هندوستان در خلیج فارس که متعلق بایران است باشکوه و جلال تمام مشغول جهان گردی بود در این آبها که هزار سال است جزو قلمرو پادشاه ایران است بنام دولت خود معرفی می کند در حالی که شاهنشاه ایران با وزراء و درباریان او که هر يك خود را در سیاست و جهانداری

بودر جمعهر و نظام الملك عمر خود بشمار میآوردند عوض اعتراض در مقابل این تجاوز
جعق حاکمیت ایران مشغول رهن دادن منابع ثروت ایران بر روسها بودند تا اینکه
وسائل خوشگذرایی چندروزه زندگانی خودشان را فراهم نمایند .

آخر فصل هفنادم

خاتمه جلد پنجم